

مطالعه تطبیقی راهبردهای جنگی حماسه کوشنامه با منابع تاریخی ایران باستان

فاطمه قلاوند، زهرا قلاوند*

گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ایران.

آذر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۹۱، صص ۲۴۵-۲۲۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.7147

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: کوشنامه ایرانشاهین ابوالخیر از حماسه‌های بزرگ قرن ششم قمری است که پیرامون ماجراهای کوش پیل دندان، برادرزاده ضحاک، میگذرد؛ این حماسه‌نامه حاوی مطالب گوناگونی در خصوص تاریخ زندگی، آداب و رسوم، فرهنگ و علوم دوره حکومت ضحاک بر ایران و همچنین دوران سلطنت فریدون است. این مقاله بر آن است که با بررسی اطلاعات موجود در کوشنامه و منابع تاریخی ایران باستان، به واکاوی چگونگی جنگ و راهبردهای جنگی در حماسه کوشنامه و تطبیق آن با متون تاریخی بپردازد. هدف این نوشتار بررسی موضوعات مربوط به جنگ در این اثر از منظری تاریخی است.

روش مطالعه: این پژوهش با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: بررسیها نشان میدهد آرایش جنگی، دسته‌های تشکیل‌دهنده سپاه و شگردهای جنگی و همچنین ابزار جنگی به کارگرفته‌شده در کوشنامه با مطالب نوشته‌های تاریخی مربوط به دوره ایران باستان مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از مطابقت ارکان اصلی و فرعی سپاه، راهبردهای جنگی، مشاغل و مناصب مربوط به جنگ، همچنین حيله و فریبهای جنگی در کوشنامه با جنگ و شگردهای آن در ایران باستان مندرج در نوشته‌های تاریخی مربوط به آن دوره است؛ این موضوع نشان‌دهنده بهره‌گیری خالق کوشنامه از خداینامه‌ها و دیگر متون ادبی و تاریخی مربوط به ایران باستان میباشد؛ از این رو کوشنامه را میتوان منبعی مفید در شناخت مسائل و موضوعات مربوط به جنگ در ایران باستان دانست.

تاریخ دریافت: ۱۷ آذر ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۱۷ دی ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۰۵ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

جنگ، کوشنامه، منابع تاریخی، ایران باستان.

* نویسنده مسئول:

z.ghalavand@pnu.ac.ir

(+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Comparative investigation of the war strategies of Kushnameh epic with historical sources of ancient Persia

F. Qalavand, Z. Qalavand*

Department of History, Payam Noor University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 December 2022

Reviewed: 07 January 2023

Revised: 25 January 2023

Accepted: 12 March 2023

KEYWORDS

war, kushnameh, historical sources, ancient Persia

*Corresponding Author

✉ z.ghalavand@pnu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: KushNameh, Iranshah Ibn Abul khair 's work is one of the great epics of the 6th century which revolves around the adventures of kush pil dandan, Zahhak 's nephew. This epic books contains various contents about the history, manners. customs. culture and science during the period of Zahhak ' rule and fereydun period. This article intends to answer the questions what was the war tactics and war strategies in the Kushnameh and compare it with historical texts. The purpose of this article is to examine the issues related to the war in KushNameh with an interdisciplinary approach and historical perspective

METHODOLOGY: The present study is based on the descriptive – analytical method in the field of library studies

FINDINGS: The battle formations and tricks of war in KushNameh is correspond with Historical texts

CONCLUSION: The results of the research indicate the battle strategies in kushnameh match with the war and its tactics in ancient Iran in historical writings. This shows that Kushnameh creator used the historical and literary texts of ancient Persia

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.7147](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.7147)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 42	 0	 0

مقدمه

موقعیت جغرافیایی و استراتژیک ایران و تلاش حکومت‌های باستانی برای حفظ حاکمیت کشوری و امنیت در منطقه موجب شد که جنگ، شیوه و آیینهای مربوط به آن در ایران باستان اهمیت فراوانی داشته باشد؛ از آنجا که منابع مربوط به ایران باستان محدود است، برای روشن کردن زوایای جنگ و شگردهای آن در ایران باستان باید به بررسی تمامی منابع ادبی و تاریخی مربوط به آن دوره پرداخت. یکی از منابع نوشتاری که گوشه‌هایی از تاریخ و فرهنگ گذشته ایران زمین را در بر دارد حماسه‌نامه‌ها هستند. فضای حماسه‌ها، بیشتر رزمی است؛ این نوشته‌ها حاوی اقدامات و فتوحات شاهان و پهلوانان است. این حماسه‌ها که از پیشدادیان آغاز و با کیانیان، اشکانیان و ساسانیان دنبال می‌شود، بخش اعظم مطالب مربوط به شاهنامه فردوسی و حماسه‌های دیگری همچون گرشاسنامه، کوشنامه، و بهمن‌نامه را در بر می‌گیرد. از آنجا که حماسه‌نامه‌ها از دیدگاه تاریخنگاری نوین دارای کارکرد تاریخنگاری هستند، بررسی این نوشته‌ها از دیدگاه تاریخی و از جنبه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و اقتصادی لازم و ضروری می‌نماید. با بررسی این متون و تطبیق آنان با متون یونانی و رومی و تواریخ دوره اسلامی همچون عیون الاخبار ابن قتیبه، که بخشهایی از کتب آیین نامک ساسانی را در بر دارد، جلوه‌های مهمی از جنگ و راهبردهای آن در ایران باستان را میتوان آشکار ساخت. یکی از این حماسه‌ها، حماسه کوشنامه به قلم ایرانشاه بن ابی الخیر است که خالق دو اثر حماسی دیگر بهمن‌نامه و بانوگشسب‌نامه نیز می‌باشد. این پژوهش بر آن است که با روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی جنگ و راهبردهای آن در این حماسه‌نامه و مطابقت آن با متون تاریخی بپردازد. پرسشهای پژوهش عبارتند از: ۱- جنگ و راهبردهای آن در ایران باستان چگونه بود؟ ۲. میزان مطابقت مطالب کوشنامه با متون تاریخی تا چه حدی است؟

ضرورت و سابقه پژوهش

بررسی کوشنامه، با توجه به اینکه دربردارنده وقایع دوره استیلای ضحاک بر کشور و دورانی از حکومت فریدون است که در کمتر منبع تاریخی به آن پرداخته شده؛ از اهمیت برخوردار است. در واقع در اوستا و متون پهلوی از کوش خبری نیست و تنها در تعدادی کتب مانند *مجموعه التواریخ*، *تاریخ گزیده* (مستوفی: ۸۴)، *حبیب‌السیر* (خواندمیر: ج ۱: ۱۸۲) و *تاریخ بلعمی* (بلعمی: ۱۵۰-۱۴۹) و در طومارهای نقالی به کوش اشاراتی شده است (صادقی نقدعلی و بشیری، ۱۳۹۷: ۷۱-۶۹). در مورد کوشنامه تحقیقات جدیدی نیز انجام شده است؛ تعدادی از پژوهشگران با دیدگاه ادبی به بررسی آن و تطبیقش با دیگر منظومه‌های حماسی پرداخته‌اند: صرفی و مریخی (۱۳۸۱) در مقاله «اسطوره انسان-جانور در کوشنامه و گرشاسب‌نامه»؛ علوی مقدم و کیخسروی، (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل تطبیقی داستان ضحاک بر اساس روایت کوشنامه»؛ صادقی و بشیری (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی و مقایسه داستان کوش پیل دندان در کوشنامه و طومارهای نقالی». اتونی، بهزاد و اتونی، بهروز (۱۳۷۸) در مقاله «اسطوره‌زدایی در کوشنامه» از این جمله‌اند. تعدادی از مقالات نیز به بررسی موضوعی تاریخی در کوشنامه پرداخته‌اند؛ ندافی و متوسلی (۱۳۹۵) در مقاله «چهره زروان در کوشنامه با رویکردی تمثیلی»؛ بشیری (۱۳۹۸) در مقاله «ارتباط منظومه کوش با پادشاهان کوش در هزاره قبل از میلاد در افریقا». در این میان پژوهشهای مرتبط با جنگ در کوشنامه محدود است؛ متینی (۱۳۷۸) در پژوهش «برخی از نیرنگهای کارزار در کوشنامه» به جنگ در کوشنامه می‌پردازد؛ اما نویسنده صرفاً به نیرنگهای جنگی بدون اشاره به متون تاریخی پرداخته است. فاضلی ایرانشاهی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش «فرهنگ رزم در بهمن‌نامه و کوشنامه و مقایسه مضامین آنها با یکدیگر» به

بررسی و مقایسه رزم در دو اثر حماسی بهمن‌نامه و کوشنامه میپردازد؛ در این پژوهش نیز مطابقتی با متون تاریخی انجام نشده است.

بحث و بررسی

سپاه و آموزش جنگاوری

کهنترین متنی که به سازمان ارتش در ایران پرداخته، اوستاست. در این کتاب، از ارتشیان با نام ریشتار یاد شده است که به معنای ایستاده بر گردونه است. در اوستا جنگاوران یکی از بزرگترین نیروهای مزدیسنا هستند (ویسپرد: ۳۸). از این رو کشتن و جلوگیری از هجوم دشمن به مرز و بوم از ویژگیهای ارتشتاران است (مینوی خرد: ۴۸). عیوبی که ارتشتاران باید از آنها بپرهیزند عبارتست: از ستمکاری، آزار، پیمان‌شکنی، نابخشاوندگی، خشونت، تکبر و خوار شمردن دیگران (مینوی خرد: ۷۷). تشکیل گروههای اجتماعی از جمله ارتشیان به جمشید نسبت داده میشود؛ در شاهنامه این طبقه نیساریان خطاب میشوند (شاهنامه: ج ۱، ۲۲). طبقه جنگاوران در زمان جمشید بعد از روحانیون در بالاترین جایگاه قرار گرفت (پورداوود، ۱۳۴۷: ۳۳۳). جنگاوری یکی از مزیتها در ایران باستان بود و یکی از ویژگیهای برای شاه آرمانی، داشتن قدرت و توان رزمی بود. به گفته هروودوت ایرانیان از پنج‌سالگی به کودکان خود سه چیز می‌آموختند؛ اسب‌سواری، تیراندازی، راستگویی (تاریخ هروودوت: ۱۰۷). گزنفون اشاره‌ای به انجام مسابقات در اردوگاههای نظامی به منظور آمادگی در جنگها دارد (گزنفون، ۱۳۹۲: ۵۸). فخر مدبر در تشریح ارتباط هنرهای رزمی برای آمادگی برای رزم مینویسد:

«هر چیزی که استادان بزرگ‌کار تجربه‌یافته ساخته‌اند از سلاحها و چیزهای دیگر چون گوی و چوگان باختن و گوی شاهانه پهنه و سنگ برداشتن و زور آزمودن و کشتی گرفتن و جنگ مشت کردن و سنگ فلاخن انداختن و لت بازی کردن و چک انداختن و آنچه بدین ماند، از بهر کاری و فایده‌ای ساخته‌اند و فایده گوی پهنه انداختن و گرفتن آنست که دست در حرب روان شود و انگشتان بر پهنه تاودار شوند و از بسیاری انداختن و برگرفتن گوی تیز شود. نظر کردن به وقت چوگان زدن، چون گوی پرتابی آید؛ از آن حذر باید کرد و سنگها که از حصار آید از منجنیق و عراده و فلاخن چون چشم مردم بر گوی پهنه خو کرده باشد؛ اندازه آن داند که کجا خواهد افتاد» (آداب الحرب و الشجاعة: ۴۴۶).

در دوره ساسانی اساتیدی به آموزش رزم به کودکان می‌پرداختند. در نامه تنسر به «معلم اساوره» در «شهرها و رستاقها» اشاره میشود (نامه تنسر: ۶۱). در کوشنامه نیز به اهمیت نیروی بدنی و توان رزمی شاهان و سپهبدان و آزمودن آن اشاره میشود:

به رزم و به بزم و به گوی و شکار	بسی آزمودش همی شهریار
از آن بهتر آمد که خسرو شنود	در آن لشکر گشن چون او نبود
کمانش به گردان چو برداشتند	بدیدند و از دست بگذاشتند
کشیدن نشایست یک نیمه بیش	خجل گشت هر یک ز نیروی خویش

(کوشنامه: ۲۸۶۲-۲۸۶۵).

دیوان سپاه و مناصب شاغل در سپاه

بنا به نظر ابن بلخی با روی کار آمدن لهراسب، وی دیوان لشکر را بنا نهاد که که بعدها آن را دیوان عرض خواندند (فارسنامه: ۴۸). پیش از ساسانیان معمولاً سپاهیان در هنگام جنگ از میان خاندانهای بزرگ یا حکام ملل تابعه به

نبرد فراخوانده میشدند (پلوتارک، ۱۳۸۰: ۲۰). تشکیل سپاه منظم و دائمی ساسانیان، بعنوان دومین طبقه جامعه، نمونه‌ای از تلاش برای ایجاد ساختار و سپس شکل‌بندی نهایی حکومت متمرکز محسوب میشد. در سپاه ساسانی ابتدا «ایران اسپهبد» فرمانده کل نظامی سراسر شاهنشاهی بود؛ اما از دوره انوشیروان ساسانی، قدرت او بین چهار «اسپهبد» تقسیم شد (گیزلن، ۱۳۸۴: ۳۵). در کوشنامه به فراخوانی سپاه در هنگام جنگ اشاره میشود:

بزرگان شه را به درگاه خواند چنان کاندرا ایران سواری نماند
(کوشنامه: ۶۸۶۶)

یکی از وظایف دیوان عرض یا سپاه، شمارش سپاه و پرداخت حقوق سپاهیان بود:

نیسند بنشست بر بارگاه همی کرد یک ماه عرض سپاه
(همان: ۶۰۰۳).

همی عرض دادند ماهی فزون دبیران داننده رهنمون
(همان: ۸۷۲۹).

مناصب و مشاغل مرتبط با سپاه

سپهدار سپاه: فرماندهی مهمترین رکن سپاه بود. رئیس سپاه را در ایران باستان، سپاهبد (سپهدار) مینامیدند. سلسله‌مراتب در سپاه دارای اهمیت بود؛ نظام‌الملک توصیه میکند که هر حاجتی را که لشکر دارد بوسیله سرخیلان انجام شود تا اگر نیکویی رسد از طرف ایشان باشد؛ بدین سبب ایشان را حرمتی حاصل شود (سیاستنامه: ۱۴۴). در کوشنامه آمده است:

سپه گرچه بسیار گندآور است تن است و سپهدار همچون سر است
(کوشنامه: ۶۵۱۸-۶۵۱۷).

سپاهبد گاهی وظیفه گردآوری سپاه را بر عهده داشت (فتوح‌البلدان: ۵۲۳). در کوشنامه آمده است:

بفرمود نستوه را ساختن سپاهی گزید از سر تاختن
(کوشنامه: ۶۵۸۹)

سپهبد وظیفه سان دیدن سپاه را نیز انجام میداد؛ رسم بر این بود که هرگاه می‌خواستند از وضعیت لشکر اطلاع حاصل کنند، بر نقطه بلندی می‌ایستادند که دو گروه سواره‌نظام و پیاده‌نظام را بخوبی ببینند (آداب الحرب و الشجاعة: ۲۷۸). در کوشنامه آمده است:

بفرمود تا صف کشیدند راست قباد آمد و دید و آواز خواست
(کوشنامه: ۹۲۲۶).

در صورت شکست، سپهدار باز خواست میشد (پروکوپیوس، ۱۳۹۲: ۷۰). فریدون، نستوه را پس از شکست از کوش توبیخ کرد:

سپهدار را سرزنش کرد و گفت که همچون زنان در شبستان بخت
(کوشنامه: ۵۹۷۴).

سالاربار: سالاربار منصبی بود که اطلاعات جنگی را در اختیار شاه قرار میداد. در دوره هخامنشیان این مقام را «فرمانده محافظان شاهی (هزارپت)» به یونانی «خلیاریخوس» عهده‌دار بود (پیرنیا، ۱۳۷۵: ۱۹۹۷/۳). در زمان ساسانیان نیز آن را اندیمان کاران سردار (سالار) یعنی حاجب بزرگ و رئیس تشریفات مینامیدند (کریستنسن،

۱۳۳۶: ۵۲۰). تشکیلات درباری حکومت‌های ایرانی اسلامی، شامل دو بخش بود؛ درگاه و دیوان یا «اهل شمشیر و اهل قلم». مراد از درگاه همان تشکیلاتی است که امروز دربار و وزارت دربار است. صرف‌نظر از شخص سلطان، که در رأس همه تشکیلات مملکتی قرار داشته، حاجب بزرگ بود که به آن حاجب سالار و حاجب کبیر نیز می‌گفتند. وظیفه درگاه گسترش قلمرو امپراتوری و حفظ آن بود و وظیفه دیوان اداره امپراتوری (انوری، ۱۳۵۵: ۸)؛ در این دوره «سالاربار»، که رئیس تشریفات بود، معمولاً از مقامات لشکری و از طبقه اشراف منصوب میشد (مروج الذهب: ۲۴۱/۱). کوشنامه نیز به «سالار بار» و «درگاه» اشاره میکند:

به کوش آگهی برد سالار بار که سالار ایران بریست کار
(کوشنامه: ۸۸۵۶).

سپهد ز درگاه آنسان شنافت که باد بزبان گرد او درنیافت
(همان: ۶۵۹۱).

گنجور: مقامی که مأمور امور خزانه سلطنتی بود (کریستنسن، همان: ۱۸۵) و وظیفه حمل اسلحه شاه را بر عهده داشت (شاهنامه: ج ۳: بیت ۷۰۰). در کوشنامه است:

بیاورد گنجور ساز نبرد بر کوش بنهاد و برگشت مرد
(کوشنامه: ۷۱۱۳).

گزارشاتی از کلاهخود زرین شاهان ساسانی در جنگها موجود است (Morley, 2016: 16). در کوشنامه نیز به ساز و برگ طلایی شاهنشاه در جنگ اشاره میشود:

منوچهر را نیز بشناخت کوش که زرینه بودش همه ساز و کوش
(کوشنامه: ۹۵۲۹)

پزشک: پشتیبانی پزشکی سپاه یکی از بخشهای مهم سپاه ساسانی بود و خدمات پزشکی و بهداشتی به سربازان در زمان صلح و جنگ ارائه میشد؛ این واحد همچنین درمان زخمیها و بیماران را در طول جنگ به عهده داشت؛ از طرف دیگر مراقبت دامپزشکی برای اسبها و فیلها نیز ارائه میشد (فرخ، ۱۳۹۴: ۲۳۶). کوشنامه نیز به درمان مجروحان در جنگ اشاراتی دارد:

ز یالش برون کرد داننده، خشت و یکتی مرهم نو سرشت
بر آن زخم بنهاد و بست استوار هم از کار ماند و هم کارزار
(کوشنامه: ۵۹۷۰-۵۹۶۸)

صف‌آرایی سپاه: در آرایش سپاه ایران در دوره باستان ایران هر سپاه از نظام پنجگانه برخوردار بود: مقدمه (طلایه)، میمنه، میسره، قلب و ساقه. در نحوه فرود آمدن سپاه ایرانی آمده است: «نخست مقدمه فرود آید، سپس (علمداران) جناح دست راست، سپس (علمداران) جناح دست چپ، سپس میمنه. سپس میسره، پس قلب در میان، سپس سرای حرم و مطبخ و خزینه و جامه‌خانه و زرادخانه و رکابخانه» (آداب الحرب و الشجاعة: ۳۳۰). در کوشنامه آمده است:

چپ و راست، قلب و جناح سپاه بیاراست کوش و سپهدار شاه
(کوشنامه: ۶۲۵۱)

ایناسترانتسیف به نقل از رساله تاریخی - رزمی نویسنده ناشناس، نحوه قرار گرفتن «سواره‌نظام» و «پیاده‌نظام» در جنگها را بدینگونه شرح میدهد که قبل از شروع جنگ، سواره‌نظام را جلو قرار میدهند تا دشمن منتظر جنگ

با سواره‌نظام شود؛ وقتی دشمن نزدیک شد، سواره باید به طرف جناحها کنار رود و کارزار را به پیاده‌نظام واگذار کند (ایناسترانتسیف، ۱۳۸۴: ۴۲). در کوشنامه نیز در تقدم سواران در جنگ آمده است:

نخستین یکی تیرباران کنید پس آهنگ جنگ سواران کنید
(کوشنامه: ۸۰۸۴)

سپاهیان در این دوره از اقوام مختلف تشکیل میشدند؛ اما معمولاً قلب سپاه از ایرانیان بود. تنوع نژادی موجب میشد که نژادهای مختلف که هر یک دارای مهارتهای مختص به خود بودند مجال ابراز لیاقت در صحنه مییافتند (باسورث، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۲). در کوشنامه آمده است:

از ایران وز هند وز نیمروز هم از تازیان لشکری نیوسوز
(کوشنامه: ۹۴۷۸).

دسته‌های اصلی سپاه

طلایه‌داران: طلایه‌داران یکی از مهمترین ارکان هر سپاه به حساب می‌آمدند. این افراد افزون بر آنکه باید جنگاورانی ورزیده میبودند، لازم بود از منطقه و کیفیت نبرد نیز اطلاع کافی میداشتند (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۱۲۰). وظیفه طلایه، حرکت پیشاپیش سپاه بود تا راه را برای گذر سپاه امن کند و اگر دشمن پیش آید، سپهبد را آگاه کند (آداب الحرب و الشجاعة: ۳۳۲). در کتاب عیون الاخبار شرایطی برای حرکت طلایه‌داران ذکر شده است که عبارتند از اینکه طلایه‌داران باید در زمینی امن حرکت کنند؛ بر بلندبها بایستند؛ در بیشه‌ها و مکانهای قابل استتار کمین کنند و از زمینی که در موردش آگاهی ندارند نگذرند (عیون الاخبار، ج ۱: ۱۹۱). در کوشنامه نیز به طلایه‌داران اشاره می‌شود:

نه آواز پاس است در شب بسی نه بر راه ما بر طلایه کسی
(کوشنامه: ۶۱۰۹).

طلایه فرستاد صد مرد زود بر آن ره که خود تاختن کرده بود
(همان: ۹۲۲۰).

میمنه: جناحهای مهم میمنه و میسره علاوه بر نبرد، وظیفه حفاظت از قلب سپاه را نیز بر عهده داشتند. در زمان شروع جنگ اصلی، میمنه باید جنگ را آغاز کند؛ سپس قلب، سپس میسره (آداب الحرب و الشجاعة: ۳۴۴). هر چند این رویه قطعی نبود، بنا به آرایش سپاه و نظر سردار سپاه ممکن بود حمله از جناحهای دیگر شروع شود. در نبرد گوگمل جناح چپ سپاه هخامنشی در مقابل جناح راست مقدونی قرار گرفت (پیرنیا، ۱۳۷۵: ۲). در نبرد تمبره با لودیه‌ایها نیز هنگام عملیات، نیروهای خودی آرام از دو جناح چپ و راست عقب‌نشینی کردند تا سپاه دشمن در تعقیب، از هم دور افتاده و مصریها در مقابل قلب سپاه ایران قرار بگیرند. نتیجه چنین تاکتیکی آن شد که پیاده‌نظام معروف مصری، که دارای سلاحهای تدافعی و تعرضی برای جنگهای تن‌به‌تن بودند، از پشتیبانی سلاحهای پرتابی محروم گشتند (معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۹). گاهی سپهسالار برای حملات در میمنه قرار میگرفت؛ در کوشنامه آمده است:

سوی میمنه قارن پهلوان سپاهی چو با موج سیل روان
(کوشنامه: ۶۹۷۵).

بدو داد با لشکرش میمنه بشد با سپه، دور شد از بنه
(همان: ۶۹۸۲).

میسره: فرماندهی میسره با زبده‌های جنگی سپاه بود؛ در نبرد کوناکسا دوره هخامنشی، سربازان سنگین اسلحه مصری در جناح چپ تحت فرماندهی تیسافرن بودند (گزنفون، ۱۳۸۴: ۷۰). در کوشنامه آمده است: تلیمان یل را سوی میسره فرستاد با او سپاهی سره (کوشنامه: ۶۹۷۶)

چو شاپور نستوه بر میسره جناح اندیان داشتی یکسره (همان: ۸۸۵۴)

قلب: در نبردها، شاه یا فرمانده سپاه ایران بیشتر در قلب سپاه مستقر میشد؛ کوروش صغیر هنگام جنگ با اردشیر دوم هخامنشی، فرمان حمله به قلب سپاه را داد تا با کشتن شاه، ایرانیان منهزم شوند (گزنفون، ۱۳۸۴: ۷۱). همه فرماندهان چریک در قلب سپاه میماندند؛ چون آنجا را امنترین جا میدانند (همانجا).

به قلب اندرون، خویشان جای داد درفش از پس و پشت و پیشش قباد (کوشنامه: ۶۹۷۷-۶۹۷۵).

به قلب اندرون خویش را جای کرد درفش دل‌افروز بر پای کرد (همان: ۸۸۶۲)

ساقه و بنه: آخرین بخش سپاه، ساقه و بنه بود. بنه در قسمت ساقه سپاه قرار داشت؛ فخر مدبر گوید: «ساقه مقیم پس سقفها میباشد؛ پشت سوی لشکر و روی نهاده بنگاهداشت لشکر و بنه» (آداب الحرب و الشجاعة: ۳۳۲). افرادی که جنگاور نبودند و برای کارهای کمکی با سپاه همراه میشدند، در این بخش بودند. در کوشنامه است: همی راند بر ساقه بر پهلوان چو دریای با موج لشکر روان (کوشنامه: ۶۸۷۹).

در عیون/الأخبار تهیه و نگهداری بنه از مهمترین کارهای جنگ اعلام میشود که باید همواره پشت لشکر حرکت کند (عیون الاخبار، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۹۵). منظور از بنه، تدارکات سپاه بود؛ اهمیت تأمین و نگهداری ابزار جنگی به آن حد بود که در ایران باستان، که هفت خاندان بزرگ کشور هر کدام به کاری اشتغال داشتند، بزرگ خاندان هفتم نگهداری ابزارهای جنگی لشکریان را در اختیار داشت (تیوفیلاکتوس به نقل از پورداوود، ۱۳۸۲: ۱۸). یکی از دلایل پیروزی هخامنشیان در جنگها، رسیدگی منظم به وضعیت بنه سپاه و ملزومات ارتش بود؛ گزنفون پیرامون تغذیه سربازان مینویسد: «برای تأمین غذا ارابه‌های پر از گندم دائم در رفت‌وآمد بودند» (گزنفون، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۷). در کوشنامه نیز به بنه اشاره میشود:

بنه برنهادند و رفتند تیز ز کشتن نکوتر همانا گریز (کوشنامه: ۶۵۱۵).

چو بنگاه بر جای بگذاشتند سپاه و سپهدار برگاشتند (همان: ۶۵۹۹)

در دوره هخامنشی نیروهای مسلح در کشورهای تابعه از مردمی تشکیل میشد که در پادگانهای همان مناطق مستقر میشدند. این پادگانها، زرادخانه و محل انبار اسلحه همان ناحیه نیز محسوب میگشتند. هزینه نظامی این تشکیلات توسط مردم بومی آن تأمین میشد؛ حکام این مناطق در صورت نیاز ارتش ایرانیان در گذر از این مناطق، موظف به تهیه بنه برای آنان بودند (داندامایف، ۱۳۸۵: ۲۲-۱۸). در هجوم کوش به مازندران به فرمان فریدون، وی خواستار تهیه بنه از شاه منطقه مجاور شد:

که ما را شاه گنداوران فرستد به پیکار ما زندان
دو ساله علف ساز با خوردنی فراز آر هر گونه آوردنی
(کوشنامه، ۷۵۵۴-۷۵۵۳).

گروه‌های فرعی در سپاه

کمین‌ورزان: کمین‌ورزان، سواران زبده و دلاوری هستند که در نبردها در گام اول قرار می‌گرفتند؛ وقتی که سپاهی از شبیخون آگاه می‌شد، یکی از چاره‌ها، کمین کردن در پشت سپاه دشمن بود؛ قدما حرب کردن را دو نوع میدانستند؛ یک نوع آشکار که مصاف رویاروی و یک نوع پنهان و آن کمین کردن است (أداب الحرب و الشجاعة: ۳۰۵). کمین کردن نیز شرایطی داشت؛ کمین‌ورزان برای یورش از شب استفاده می‌کردند، هنگامی که باد بوزد و صدای آب رودخانه‌های مجاور شنیده شود؛ این زمان بهترین فرصت بود و صدای آنان شنیده نمی‌شد (عیون الاخبار: ۱۱۴). در کوشنامه نیز آمده است:

شب تیره برداشت از پیش رود به جای کمین، لشکر آرد فرود
(کوشنامه: ۱۱۵۴)

کمین برگشادند یارانشان ز باران فزون تیربارانشان
(همان: ۶۵۳۸).

گروه ویژگان: گروهی که همراه و حامی اصلی فرمانده سپاه بودند و احتمالاً همان گروه ده‌هزار نفری جاودانان بودند. دیاکونوف جاودانان را گارد سلطنتی میداند (دیاکونوف، ۱۳۴۶: ۳۰۲). در دوره ساسانی مانند دوره هخامنشی این گروه ده هزار نفر بودند و احتمالاً رئیس آنها ملقب به «ورث‌رگنیکان خودای» بود (پروکوپوس، ۱۳۹۲: ۵۷؛ کریستنسن، ۱۳۳۱: ۲۹۷). در کوشنامه به ویژگان اشاره می‌شود:

خود و ویژگان برکشیدند صف در این روی کنده بتان بر ز کف
(کوشنامه: ۶۱۱۵).

چو شب گشت با ویژگان برنشست گریزان به دریای چین درنشست
(همان: ۵۴۵۱)

دیده‌بانان: دیده‌بانان یکی از گروه‌های فرعی مهم در جنگها بودند؛ در اهمیت گماشتن دیده‌بان آمده است: «درباره دوراندیشیهای نبرد پرسیده شد، پس گفت: دور نگه داشتن دشمن از آبادانیها و گماشتن چشمها بر راه» (عیون الاخبار: ج ۱: ۱۹۱). در کوشنامه آمده است:

به هر جای بر دیده‌بانی نشاند از آن پس یلان سپه را بخواند
(کوشنامه: ۱۹۶۰)

نگهبان دربند یا باژبان: کلمات باژ، باژگاه، باژبان و امثال آن و وجود میلیهای مشخص‌کننده مسیر راهها، بر وجود شبکه‌ای از راهداران مسلح و مأموران تأمین امنیت در قرون اول اسلامی حکایت میکند (معطوفی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۰۷۳). آنان در جنگها وظیفه حفاظت از راهها را بر عهده داشتند:

که هشیار باشید روز و شبان نگهبان دربند یا باژبان
(کوشنامه: ۲۵۸۳).

راهبردهای جنگی

در اینجا به تعدادی راهبردهای جنگ ایران باستان و کوشنامه پرداخته میشود.

نبرد تن به تن پهلوانان سپاه: در بسیاری از نبردها، نبردهای تن‌به‌تن توسط شاه یا سرداران سپاه با فرماندهان سپاه متخاصم انجام میشد. اسمردیس مغ در نبرد تن‌به‌تن با داریوش و یاران وی کشته شد (تاریخ هرودوت: ۲۳۴). بهرام چوبین در نبرد تن‌به‌تن با خسرو پرویز کشته شد (تاریخ طبری: ۲۳۸/۲؛ غر الخبار: ۴۲۸). معمولاً در متون حماسی پهلوانان از ذکر نام خود در نبردها خودداری میکردند؛ این مسئله با باور انسانهای نخستین مرتبط بود؛ آنان فکر میکردند ارتباط بین نام و شخص یا شیء مرسوم به آن صرفاً قراردادی و دلخواه نیست؛ بلکه پیوندی واقعی و ذاتی آن دو را به نحوی باهم یکسان میسازد که جادو به سهولت از طریق اسم بر آن کارگزار میشود (فریزر، ۱۳۸۳: ۲۷۱). بنابراین از ذکر نام خودداری میکردند تا گرفتار جادو و نیرنگ حریف جنگی نشوند (همانجا). در کوشنامه، در جنگ با اندلسیان، کوش از اسیر اندلسی درخواست میکند شاهشان را به وی نشان دهد:

از ایرانیان کشته شد چند مرد به انگشت بنمودش اندر نبرد
چو بشناختش کوش نزدیک شد ز گرد سپه روز تاریک شد
(کوشنامه: ۷۷۷۶-۷۷۷۷).

در ابتدای نبرد تن‌به‌تن از سایر سپاهیان پیمان میگرفتند که در نبرد تن‌به‌تن دخالتی نکنند:

ببستند پیمان که از لشکری / نیاید کسی پیش این داوری (همان: ۷۱۳۸)

برآویختند آن دو جنگی به هم / چو شیر ژیان و چو پیل دژم (همان: ۹۵۳۰).

روش جنگ و گریز: یکی از روشهای جنگی در ایران باستان روش جنگ و گریز بود. این روش بخصوص در دوره اشکانی معروفیت یافت. قدرت جنگی اشکانیان در تاخت ناگهانی و در فرار ساختگی بود تا بدین وسیله دشمن را به بی‌احتیاطی وادارند (آلتهایم ۱۳۴۴: ۳۴). اشکانیان در آغاز بشدت به دشمن حمله کرده و آنان را تیرباران کرده و در این هنگام سپاه رومی برای اینکه زودتر داخل جنگ تن‌به‌تن گردد، حمله را آغاز میکرد؛ ولی سواران سبک-اسلحه تظاهر به فرار کرده و تحت تعقیب رومیان قرار گرفته و به همین شکل رومیان را از میدان جنگ خارج میساختند (حقیقت، ۱۳۴۴: ۳۴۹) در کوشنامه به این روش جنگی اشاره میشود:

به رزم اندرون سستی آغاز کن گریز بهنگام را ساز کن
طلایه چو بر پی برآید دمان چنان دان که بر وی برآمد زمان
(کوشنامه: ۶۹۳۸-۶۹۳۹)

محاصره کردن (حصارگیری): در جنگها شهر در محاصره گرفته میشد تا کار بر مردم تنگ آید و تسلیم شوند. در مورد حصارگیری آمده است: «در موقع محاصره قلعه باید سعی کرد از کسانی که در قلعه و شهر هستند یکی دو نفر را در صورت امکان تطمیع کرد و به دو موضوع بواسطه آنان پی برد؛ یکی کشف اسرارشان و دیگری مرعوب کردن دشمن بوسیله آنان. همچنین اشخاصی را محرمانه به سوی سربازان دشمن گسیل داشت تا آنان را متزلزل کند و امیدشان را به کمک قطع نماید و نیز نقاطی که در قلعه کوبی میتوان مورد حمله قرار داد و نقاطی که بر ضد آن منجنیق میتوان به کار برد و جاهایی را که نقب میتوان زد یا نردبان به کار برد یا میتوان آتش افروخت، شناسایی کرد» (عیون الخبار: ۵-۱۱۴).

نقب‌کنی از روشهایی بود که ایرانیان در جنگها استفاده میکردند (پروکوپيوس، ۱۳۹۲: ۲۵). کوروش در فتح بابل با تغییر مسیر ورودی رودخانه‌ها، به بابل وارد شد (تاریخ هرودوت: ۱۲۶). در کوشنامه درباره راهکار محافظت از شهرها در برابر حصارگیری آمده است:

به گردش یکی کنده بودی بزرگ که نتوان بریدش پیل سترگ
(کوشنامه: ۷۰۵۹)

بیاراست باره به مردان مرد به هر برج عرآده برپای کرد
(همان: ۷۰۵۶).

ره از شهر ببرید و دربست آب سپاهی و شهری یله کرد خواب
(همان: ۷۰۵۹)

شب و روز با شهریان جنگ بود / ز بالا همه ناوک و سنگ بود (همان: ۳۰۷۶)

کندن خندق: یکی از راهبردهای جنگی ایران باستان، کندن خندق بود؛ اردشیر دوم در جنگ با کوروش کوچک، خندقی در امتداد فرات ایجاد کرد (گزنفون، ۱۳۸۴: ۶۸ - ۶۷). در جنگ احزاب، سلمان پارسی کندن خندق را پیشنهاد داد. در کوشنامه است:

همان شب یکی کنده فرمود شاه کشیدند بیل و تبرها به راه
برآن ره یکی کنده کردند ژرف درازا و بالا و پهنا شگرف
(کوشنامه: ۱۸۰۱-۱۸۰۰).

رزم در مکانهای صعب‌العبور مانند کوه یا تنگه: یکی از روشهای جنگی که در دوره باستان استفاده میشد نبرد در مناطق صعب‌العبور بود. در این موارد سنگهای بزرگ بر سپاه دشمن مینداختند (مارسلین، ۱۳۱۰: ۷۵). آریو برزن در جنگ با مقدونیها از این روش استفاده کرد (پیرنیا، ۱۳۷۵: ج ۲: ۱۴۱۳). در کوشنامه آمده است:

نداد آبتین کوهپایه ز دست ز برگستوان کوه دیگر بیست
(کوشنامه: ۱۹۷۴)

پیاده شود بیگمان ریز ریز سواران از این سنگ گیرد گریز
(همان: ۱۹۶۸)

نیرنگهای جنگی

در جنگها از نیرنگ نیز استفاده میشد. به مواردی از نیرنگها اشاره میشود:

پخش اخبار دروغ: اخباری مانند خبر دروغ، مرگ سالار سپاه یا نمایش ضعف سپاه از حيله‌های جنگی بود. برای مثال شایعه خبر مرگ قارن سردار سپاه ایرانیان، موجب حمله کوش و شکستش شد:

یکی کنده فرمای پیش سپاه خبر کن که گشته‌ست قارن تباه
(همان: ۹۱۵۸)

بهره‌گیری از ستون پنجم (گماشتن جاسوس): از کسب خبر از درون سپاه یا دژ دشمن بعنوان نیرنگ جنگی یاد میشود (عیون الخبر: ۱۹۵). حکومت‌های ایرانی دوره باستان جاسوسهایی را استخدام میکردند (پروکوپيوس، ۱۳۹۲: ۸۸؛ تاریخ هرودوت: ۲۵۵) در کوشنامه آمده است:

وزان پس بدو گفت مردی نهان به لشکر درآمد ز کارا گهان
بدان تا شود آگه از کار ما ز مردان جنگی و نوسار ما
(کوشنامه: ۶۱۱۰)

در برخی جنگها، با شناسایی و رها کردن جاسوسان، موجب ایجاد وحشت در سپاه مقابل میشدند. خشایارشا در هنگام حمله به یونان، جاسوسان را رها میکرد تا با توصیف سپاهش توسط آنان، موجب وحشت یونانیها شوند (پیرنیا، ۱۳۷۵: ج ۱: ۷۶۰). در کوشنامه دربارهٔ علت آزادی جاسوس قباد توسط کوش آمده است:

چو این داستان کرد جاسوس یاد همان گه بدانست فرخ قباد
که جاسوس رز آن یله کرد، کوش بدان تا ببیند سپه را بهوش
(کوشنامه: ۱۰۳۹-۱۰۳۸)

سلاح در نبرد

نقل است که در میان پارسیان سبب‌ساز شایستگی مردان، نخست دلاوری در جنگ است و شاه قدرتش را از طریق ویژگیهای جنگجویانه‌اش توجیه میکند. او یک «کمانکش» ماهر است (بریان، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۶). در زمان کیاکسار، کمانداران بعنوان یکی از دسته‌های نظامی در تقسیمات لشکری بودند (تاریخ هرودوت: ۸۱). هرودوت نقل میکند که بردیا توانست زه کمانی را که سفیران اتیوپی برای آزمودن پارسیان به آنها دادند بکشد و بدین صورت لیاقت خود را بنمایاند (همان: ۲۰۷). تصویر تیراندازی شاپور ساسانی در حضور بزرگان کشوری در کتیبهٔ حاجی‌آباد، اهمیت این مهارتها را در کسب شاهی نشان میدهد (جعفری دهقی، ۱۳۹۵: ۵۴). نوآوری در وسایل رزم و جنگیدن در ایران باستان مورد توجه بود. در اندرزه‌های کمبوجیهٔ اول به پسرش کوروش آمده است که در جنگ از روشها و وسایل جنگی جدید بهره بگیرد (گزنفون، ۱۳۹۲: ۴۰). ارابه‌های داس‌دار هخامنشی یک نمونه از این سلاحها بود. برش این داسها آنچنان سریع بود که سرهای سپاهیان مقدونی با چشمان باز و بدون تغییر در وجنات به زمین میفتاد (دیودور، کتاب ۱۷. به نقل از آذری، علاءالدین، ۱۳۵۰). منجنیق برای جنگ حصار استفاده میشد (ناتل خانلری، ۱۳۱۳: ۵۷۷). کمانداران یکی از بخشهای ارتش ایران را تشکیل میدادند؛ بنا به قول طبری، وهرز در فتح یمن از روش تیراندازی «پنج تیر» بهره گرفت؛ در این روش عده‌ای از سواران توانایی تیراندازی همزمان با تعداد بالا تا چند هزار تیر را داشتند (تاریخ طبری: ج ۲: ۶۹۷). برخی پنج تیر را کمان پنج تیری میدانند که پنج تیر را همزمان به سمت دشمن پرتاب میکرد (اخوان زنجانی، ۱۳۷۳). مهندسان ایرانی در ساخت منجنیق مهارت داشتند. در تاریخ فتوح به این مهارت اشاره شده که شیرزاد، از مهندسان ایرانی که به اسارت سعدبن ابی وقاص درآمد، به ساختن منجنیق برای مسلمانان پرداخت (همان، ج ۵: ۱۸۰۷). گرز گران و پولاد خشت از ابزارآلاتی هستند که در کوشنامه بسیار ذکر میشود (کوشنامه: ۳۲۰۵). همچنین آمده است:

بسی منجنیق و کمانهای چرخ / که کیوان به زیر آورندی ز چرخ (همان: ۵۸۷۸).

استفاده از آتش و گوگرد: یونانیان در نوشته‌هایشان از «آتش مدی» یاد کرده‌اند. مهمترین استفاده از نفت و مواد نفتی در جنگها به عمل می‌آمد (مارسلین، ۱۳۱۰: ۳۵). در جنگهای ایران با یونان، پارسیان، برای تصرف ارگ آتن، تیرهای آتشنا به درون ارگ فروانداخته و تیرها به طرف هدف رها میشده، خاموش نمیشد (هرودوت، به نقل از پیرنیا، ۱۳۷۵: ۸۰۳/۱). آمین مارسلین از استفادهٔ ایرانیان از آلات ناریه و تیرهای آتشین برای نابودی کشتیهای رومی نام میبرد (مارسلین، ۱۳۱۰: ۸۵). در شاهنامه در نبرد گنگ دژ به بهره گرفتن از آتش و نفت اشاره میشود (شاهنامه، ج ۴: ۱۳۲۸). در کوشنامه نیز در تسخیر قلعهٔ سلکت به استفاده از گوگرد و آتش اشاره شده است:

به صد چاره بگشاد کوه و حصار برآورد از چاه آتش دمار
 به گوگرد شاه اندر آتش فکند زبانه کشید او به چرخ بلند
 (کوشنامه: ۴۳۲۰-۴۳۱۹).

استفاده از کشتی: کهنترین سند دریانوردی ایرانیان، مَه‌ری است که در چغامیش خوزستان به دست آمده است. تاریخ تمدن ناحیه چغامیش به شش هزار سال پیش از میلاد می‌رسد. این مَه‌ر گلین، یک کشتی را با سرنشینان آن نشان می‌دهد که یک سردار پیروز ایرانی بازگشته از جنگ است و اسیرانی در جلوی او زانو زده‌اند (نوربخش، ۱۳۸۲: ۲۸). خشایارشا در سرزمینهای مصر، فنیقیه، قبرس، کلیکیه، کاریه، میسیه، تروآد، فنیقیه، پونت و تمام شهرهای واقع در هلسپونت، کارگاههای کشتی‌سازی ساخت (سیسیلی، ۱۳۸۴: ۱۹۰). همچنین وی هزار ناو سه ردیف پارویی برای جنگ با یونان تهیه نمود (کتزیاس، ۱۳۸۰: ۶۴). در کوشنامه نیز به استفاده از کشتی و بهره‌گیری از گذرگاههای دریایی بعنوان راهبردی جنگی اشاره میشود:

فرستاده‌ام سرکشی با سپاه که دارد گذرگاه دریا نگاه
 (کوشنامه: ۲۸۰۹)
 فرستاد کشتی سوی سلم باز نشاند اندران او لشکر رزمساز
 (همان: ۸۷۵۸)
 به آب اندر افکند کشتی هزار نخست از همه قارن نامدار
 (همان: ۸۷۵۶)

نتیجه‌گیری

همزمانی رویدادهای کوشنامه با تلاش فریدون برای بازپسگیری سرزمینهای جمشیدیان از ضحاکیان، موجب شده این حماسه‌نامه پر از مطالب مربوط به جنگ باشد. با بررسی راهبردهای نظامی جنگی در کوشنامه و همچنین کتب تاریخی، مطابقت نوشته‌های مربوط به رزم در کوشنامه با نوشته‌ها و منابع تاریخی آشکار میشود. این موضوع احتمالاً به بهره‌گیری ناظم کوشنامه از متون خداینامه‌ها و دیگر منابع و نوشته‌های ادبی و تاریخی مربوط به دوره ساسانی مربوط است؛ قابل ذکر است که برخی متون مربوط به دوره ساسانی مانند خداینامه‌ها و آیین‌نامک هرچند از بین رفته‌اند، اما نظر به ترجمه این متون به فارسی و عربی در قرون نخستین اسلامی، بخشهایی از آن در متون ادبی و تاریخی به جای مانده و مورد بهره‌برداری شاعران و نویسندگان قرار گرفته است؛ آنچنانکه شاعر این منظومه در اشعار خود از شاهنامه مسعودی مروزی، که ظاهراً نخستین کسی است که شاهنامه‌ای را به نظم درآورد، بعنوان منبعی اصیل در شناخت تاریخ گذشتگان یاد میکند. بررسی تطبیقی کتب تاریخی و کوشنامه نشان می‌دهد ایرانیان در نبردها از فنون و شگردهای خاصی بهره‌مند بوده‌اند؛ از میان راهبردهای جنگی، محاصره کردن، کندن خندق، شیبخون و جنگ تن‌به‌تن فرماندهان سپاه کاربرد بیشتری در دوره باستان داشته است. ایرانیان باستان بر آن بودند که در جنگها از روشها و فنون جدید استفاده کنند. این شیوه‌ها و راهبردهای جنگی در کوشنامه نیز به چشم می‌خورند. ارکان اصلی سپاه، دسته‌های فرعی، مناصب و مشاغل موجود در سپاه، تاکتیک و تدابیر جنگی در کوشنامه و متون تاریخی مربوط به ایران باستان یکسان است. تیر و کمان و منجنیق و همچنین بهره‌گیری از آتش و نفت از معروفترین جنگ‌افزارها در ایران باستان بودند که در کوشنامه نیز به آنها اشاره شده است. همچنین نیرنگهای جنگی، بویژه بهره‌گیری از ستون پنجم که در متون تاریخی به آن بسیار اشاره شده است، در کوشنامه نیز موجود است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله با مشارکت سرکار خانم دکتر زهرا قلاوند و سرکار خانم دکتر فاطمه قلاوند در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از دست‌اندرکاران ماهنامه «سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی» اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Akhavan Zanjani, Jalil. (1976). "Panjgan". Iranian studies. (2) 6, p. 281.
- Altheim, Franz. (1966). Writings about the history and culture of Parthians, translated by Hoshang Sadeghi, Tehran: Organization of Heritage and Handicrafts, p. 34.
- Azari, Alaeddin. (1971). "The role of the elephant in the wars of ancient Iran", historical reviews, (1) 6, p. 130.
- Bal'ami, Abu Ali. (1974). Tarikh Bal'ami, revision of Malik Al-Sho'ara Bahar, Tehran: Zavvar, pp. 149-150.
- Banoo goshasb name. (1975). revised by Mojtaba Minovi, Tehran: Kharazmi, p. 61.
- Belazari, Ahmad ibn Yahya. (1988). Fotuh al-Boldan, Tehran: Noqre, p. 523.
- Briyan, Pir. (2015). Achaemenid Empire, vol. 1, translated by Nahid Foroughian, Tehran: Qatre, p. 56.
- Christensen, Arthur. (1957). Iran during the Sasanian era, translated by Rashid Yasemi, Tehran: Ibn Sina.
- Dandamayev. (1979.) Achaemenid political and economic history, Mirkamal Nabipour, Tehran: Raja, pp. 18-22.
- Fakhr Modabbar, Mubarakshah. (1967). Adab Al-Harb and Al-Shuja'ah, Ahmad Sohaili Khansari., Tehran: Iqbal.
- Farrokh, Kaveh and Karimian, Gholamreza. (2014). "Provisions and support of the Sassanid army in the war", Payam Baharestan, (26) 8, p. 236.
- Ferdowsi, Abulqasem. (2000). Shahnameh, Vol. 3, 4, Tehran: Qatre.
- Fraser, James George. (2004). Golden branch. Translated by Kazem Firouzmand. Tehran: Aghaz. P. 271.
- Gislan, Rika. (2004). Four generals of the Sassanid Empire based on the evidence of seal studies, Siroos Nematolehzadeh, Tehran: Cultural Heritage and Tourism of the Country, p. 35.
- Haqiqat, Abdul Rafie. (1965). Five hundred years of Parthian rule, Tehran: Koomesh, p. 349.

- Herodotus. (1983). History of Herodotus, translated by Vahid Mazandarani, Tehran: Scientific and Cultural.
- Ibn Balkhi. (2006). Farsnameh, revised by Lestrangle, Guy and Nicholson, Tehran: Asatir, p. 48.
- Ibn Qutibe, Abdullah Ibn Muslim. (1418 A.H.). Oyun al-Akhbar, edited by Yusuf Ali Tavil, 4 vols., Beirut: Dar al-Kitab al-Elamiye.
- Inastrantsev, Konstantin. (2004). Research on the Sassanids, translated by Kazem Kazemzadeh. Tehran: Scientific and Cultural. P. 42.
- Iranshah Ibn Abi al-Khair. (1998). Kushnamah, edited by Jalal Matini, Tehran: Scientific and Cultural.
- Ja'fari Dehaghi, Mahmoud. (2015). Guide to Middle Persian inscriptions (Sasanian Pahlavi) Tehran: Samt, p. 54.
- Ketzias. (2010). A summary of the history of Ketzias from Cyrus to Ardeshir, kamyab Khalili, Tehran: Karang, p. 60.
- Khandemir, Ghiyasuddin. (2001). Habib al-Sir's history in the news of human beings, Tehran: Khayyam, p. 182.
- M'atoofi, Asadullah. (2003). The history of four thousand years of the Iranian army, war and warfare on the Iranian plateau from the civilization of Elam to 1320, vol. 1,2, Tehran: Iman.
- Marcelin, Amin. (1931). The war of Shapur Zul-Aktaf with Roman Emperor Julianus, translated by Mohammad Sadegh Atabaki, Tehran: Shuraye Nezam Office.
- Masoudi, Abulhasan Ali ibn Hossein. (2003). Moruj al-Zahab, vol. 1, translated by Abu Ghasem Payandeh, Tehran: Scientific and Cultural, p. 241.
- Minoy Kherad. (1975). translated by Ahmad Tafzoli, Tehran: Farhang Iran Foundation, p. 77.
- Mostofi, Hamdollah. (2014). Tarikh gozide, edited by Abdul Hossein Navaei, Tehran: AmirKabir, p. 84.
- Natal Khanleri, Parviz. (1934). "Army and War in Ferdowsi's Shahnameh", Mehr (5 and 6) 2, p. 577.
- Nizam-ul-Molk, Abu Ali Hassan. (1965). Siyasatname, edited by Mohammad Qazvini, Tehran: Zavvar, p. 144.
- Nourbakhsh, Hassan. (2003). Iranian Seafaring, Tehran: Cultural Research Publication, p. 28.
- Pirnia, Hassan. (1996). History of Ancient Iran, Vol. 1, 2, 3, Tehran: World of Books.
- Plutarch. (2001). Iranians and Greeks according to Plutarch, Ahmad Kasravi, Tehran: Jami, p. 20.
- Pourdavoud, Ibrahim and Jorbozedar, Abdul Karim. (2012). Zin abzar: War Tools of Ancient Iran, Tehran: Asatir, p. 333.
- Procopius. (2013). Wars of Iran and Rome, translated by Mohammad Sa'eedi, Tehran: Scientific and Cultural.
- Rashed Mohassel, Mohammad Reza. (2006). Guards and Guards in Ferdowsi's Shahnameh, Shahnameh Research (First Office), Mashhad: Farhangsaraye Ferdowsi, p. 120.
- Sa'alebi, Abu Mansour. (1989). Tarikh Sa'alebi (Ghorr al-Akhbar). Mohammad Fazaeli, Tehran: Noqre, p. 428.
- Sisili, Diodor. (2005). Historical Library, Ismail Sangari and Hamed Bikas Shorkaei, Tehran: Jami, p. 190.
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. (2004). Tarikh Tabari, Tehran: Asatir.

- Visperd. (1987). translated by Ebrahim Pourdavoud, Tehran: Tehran University Press.
Xenophon. (2005). The Return of Ten Thousand People (Anabasis), translated by Manouchehr Amiri, Tehran: Scientific and Cultural.
Xenophon. (2013). Korooshnameh, translated by Reza Mashayekhi, Tehran: Scientific and Cultural, pp. 67-68; 71-70.

فهرست منابع فارسی

- آلتهايم، فرانتس (۱۳۴۴) نوشته‌هایی درباره تاریخ و فرهنگ اشکانیان، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: سازمان میراث و صنایع دستی، ص ۳۴.
- آذری، علاءالدین (۱۳۵۰) «نقش فیل در جنگهای ایران باستان»، بررسیهای تاریخی، (۱) ۶، ص ۱۳۰.
- ابن بلخی (۱۳۸۵) فارسنامه، تصحیح لسترنج، گای و نیکلسون، تهران: اساطیر، ص ۴۸.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۸ ق.) عیون الاخبار، تصحیح یوسفعلی طویل، ۴ ج، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اخوان زنجانی، جلیل (۱۳۷۳) «پنجگان». ایران‌شناسی. (۲) ۶، ص ۲۸۱.
- ایران‌شاه‌بن ابی‌الخیر (۱۳۷۷) کوشنامه، به کوشش جلال متینی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ایناسترانتسیف، کنستانتین (۱۳۸۴) تحقیقاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم‌زاده. تهران: علمی و فرهنگی. ص ۴۲.
- بریان، پیر (۱۳۸۵) امپراتوری هخامنشی، ج ۱، ترجمه ناهید فروغیان، تهران: قطره، ص ۵۶.
- بلادری، احمدبن یحیی (۱۳۶۷) فتوح البلدان، تهران: نقره، ص ۵۲۳.
- بلعی، ابوعلی (۱۳۵۳) تاریخ بلعی، تصحیح ملک‌الشعراى بهار، تهران: زوار، صص ۱۵۰-۱۴۹.
- پروکوپيوس (۱۳۹۲) جنگهای ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- پلوتارک (۱۳۸۰) ایرانیان و یونانیان به روایت پلوتارخ، احمد کسروی، تهران: جامی، ص ۲۰.
- پورداوود، ابراهیم و جریزه‌دار، عبدالکریم (۱۳۸۲) زین ایزار: جنگ‌ایزارهای ایران باستان، تهران: اساطیر، ص ۳۳۳.
- پیرنیا، حسن (۱۳۷۵) تاریخ ایران باستان، ج ۱، ۲، ۳، تهران: دنیای کتاب.
- ثعالی، ابومنصور (۱۳۶۸) تاریخ ثعالی (غرر الاخبار ملوک فرس و سیرهم). محمد فضائی، تهران: نقره، ص ۴۲۸.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۵) راهنمای کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی) تهران: سمت، ص ۵۴.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۴۴) پانصد سال حکومت اشکانیان، تهران: کومش، ص ۳۴۹.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۸۰) تاریخ حبیب‌السیب فی اخبار افراد بشر، تهران: خیام، ص ۱۸۲.
- داندامايف (۱۳۵۸) تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان، میرکمال نبی‌پور، تهران: رجاء، صص ۲۲-۱۸.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۵) سپاه و سپاهداری در شاهنامه فردوسی، شاهنامه‌پژوهی (دفتر نخست)، مشهد: فرهنگسرای فردوسی، ص ۱۲۰.
- سیسیلی، دیودور (۱۳۸۴) کتابخانه تاریخی، اسماعیل سنگاری و حامد بیکیس شورکایی، تهران: جامی، ص ۱۹۰.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۳) تاریخ طبری، تهران: اساطیر.
- فخر مدبر، مبارکشاه (۱۳۴۶) آداب الحرب و الشجاعة، احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
- فرخ، کاوه و کریمیان، غلامرضا (۱۳۹۴) «تدارکات و پشتیبانی ارتش ساسانی در جنگ»، پیام بهارستان، (۲۶) ۸، ص ۲۳۶.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹) شاهنامه، ج ۳، ۴، تهران: قطره.

- فریزر، جیمز جرج. (۱۳۸۳) *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه. ص ۲۷۱.
- کتزیاس (۱۳۸۰) خلاصه تاریخ کتزیاس از کوروش تا اردشیر، کامیاب خلیلی، تهران: کارنگ، ص ۶۰.
- گریستنسن، آرتور (۱۳۳۶) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: ابن سینا.
- گزنفون (۱۳۸۴) بازگشت ده هزار نفر (آناباسیس)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- گزنفون (۱۳۹۲) کوروش نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۶۸-۶۷؛ ۷۱-۷۰.
- گیزلن، ریکا (۱۳۸۴) چهار سپاهبد شاهنشاهی ساسانی بر اساس شواهد مَهرشناسی، سیروس نعمت‌اله‌زاده، تهران: میراث فرهنگی و گردشگری کشور، ص ۳۵.
- مارسلین، آمین (۱۳۱۰) جنگ شاپور ذوالاکتاف با یولیانوس امپراتور روم، ترجمه محمدصادق اتابکی، تهران: اداره شورای نظام.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۹۴) تاریخ گزیده، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ص ۸۴.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۲) مروج الذهب، ج ۱، ترجمه ابوقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۲۴۱.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۲) تاریخ چهارهزار ساله ارتش ایران، جنگ و جنگاوری بر فلات ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰، ج ۱، ۲، تهران: ایمان.
- مینوی خرد (۱۳۵۴) ترجمه احمد تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۷۷.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۱۳) «سپاه و جنگ در شاهنامه فردوسی»، مهر (۵ و ۶) ۲، ص ۵۷۷.
- نامه تنسر به گشنسب (۱۳۵۴) تصحیح مجتبی مینوی، تهران: خوارزمی، ص ۶۱.
- نظام‌الملک، ابوعلی حسن (۱۳۴۴) سیاستنامه، تصحیح محمد قزوینی، تهران: زوار، ص ۱۴۴.
- نوربخش، حسن (۱۳۸۲)، دریانوردی ایرانیان، تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۲۸.
- ویسپرد (۱۳۵۷) ترجمه ابراهیم پورداوود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هرودوت (۱۳۶۲) تاریخ هرودوت، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.

معرفی نویسندگان

فاطمه قلاوند: استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ایران.

(Email: f.ghalavand@pnu.ac.ir)

زهره قلاوند: استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ایران.

(نویسنده مسئول: (Email: z.ghalavand@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Fateme Ghalavand: Assistant Professor of History Department, Payam Noor University, Iran.

(Email: f.ghalavand@pnu.ac.ir)

Zahra Ghalavand: Assistant Professor of History Department, Payam Noor University, Iran.

(Email: z.ghalavand@pnu.ac.ir: Responsible author)